

حضرت ولیّ امرالله میفرماید:

بخشوع و خشوع و افتادگی اکتفاء منمائید، مظهر محویت گردید و فنای محض شوید.

گلزار تعالیم بهایی ص ۱۳۶

عنوان: هیکل خضوع شو و حقیقت خشوع

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- ذکر دسته جمعی "تعالی الکریم ذو الفضل العظیم"

۳- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله

۴- مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

۶- بخشی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ رضوان ۲۰۱۰

۷- بخشی از سخنرانی دکتر فرزام ارباب

۸- تنها راه دخول در ملکوت الهی

۹- شور و مشورت (بیت العدل اعظم الهی می فرماید: یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند) به نظر شما ارتباط این دو یعنی یادگیری و تواضع چیست؟ چگونه می توانیم در انجام وظایف روحانی خود به این خصیصه متوجه باشیم؟

۱۰- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۱- الفت و پذیرائی

۱۲- از حضرت عبدالبهاء بیاموزیم

هو الله

ای پروردگار به قوت و اقتدار این زنجیر بردار و اعناق را از اغلال رهائی بخش گردن‌ها را آزاد کن و دل‌های قیر گون را روشن و شاد فرما خفتگان را بیدار کن و بیهوشان را هوشیار اطفال رضیع را به ثدی عزیز دلالت فرما و کودکان بی خرد را به دبستان عنایت هدایت نما مست باده غرور را رسم خضوع و خشوع آموز و زنجیر شکن کبر و محن را آداب عبودیت تعلیم نما. این بیچارگان نادانند و این کودکان نو هوسان و بی خردان ندانند و نشناسند و انجام نینند نام جویند و راه جفا پویند تو انتباه بخش و اشتباه را از میان بردار هدایت کن و عنایت فرما و به ظلّ سدرهء میثاق دلالت نما تا کلّ در سایه شجره انیسا راحت جان یابند و کام دل جویند و به مسرت بی پایان رسند و مقامشان بلند گردد و قدرشان ارجمند عزت قدیمه یابند و موهبت عظیمه از آغاز سر فرازتر گردند و از پیش عنایت بیشتریابند.

ع ع

منتخبات مکاتیب ج ۴ ص ۲۷۳

۳- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"از حق جلّ جلاله بخواهید که بلذت اعمال در سیل او و خضوع و خشوع در حبّ او مرزوق شوید از خود بگذرید و در سائرین نگرید منتهای جهد را در تربیت ناس مبذول دارید. امری از حق پوشیده نبوده و نیست اگر برضای حق حرکت نمایند بفیوضات لا تنهایی فائز خواهند شد اینست کتاب مبین که از قلم امر ربّ العالمین جاری و ظاهر شد"

اقتدارات و چند لوح دیگر ص ۲۲۲

و در بیانی دیگر می فرمایند:

"

إنّ الانسان مرّة یرفعه الخضوع الی سماء العزّة و الاقذار و آخری ینزله الغرور الی مقام الذلّة و الانکسار

لوح ابن ذئب ص ۲۳

و در کلمات مکنونه فارسی می فرمایند:

ای پسران آمال جامه غرور را از تن بر آرید و ثوب تکبر از بدن بیندازید

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" ای بنده الهی ، بزرگواری در عبودیت جلیل اکبراست نه سلطنت خاور و باختر نفوس مقدسه همواره تمنای بندگی آستان نمایند و بندگی حق در عبودیت یاران . باید انسان جوهر خضوع شود و حقیقت خشوع فانی محض گردد و فارغ از هر مرض تا آنکه سزاوار عبودیت درگه پروردگار شود .

منتخبات مکاتیب ج ۲ ص ۱۱۸

و در بیانی دیگر می فرمایند:

ای مقتدر ، دلیل اقتدار خضوع و خشوع و تذلل وانکسار بدرگاه حضرت پروردگار است . عبودیت ابرار عین سلطنت و اقتدار است و الا هر قدرتی ضعفست و هر قوتی ناتوانی محض . تا توانی در مقام تبطل و تضرع و ابتهال و عجز و نیاز استقامت واستقرار نما تا پرتو قدرت از شمس حقیقت در آئینه سینه اشراق نماید .

منتخبات مکاتیب ج ۲ ص ۱۲۳

در سفرنامه مبارک آمده است که:

" خاضع و خاشع باشید زیرا انسان تا خود را نیک نمیداند بلکه خویش را عاجز میبیند و قاصر میدانند رو به ترقی و علو است ولی بمحض اینکه خود را خوب دانست و گفت من کامل هستم غرور و دُنُو حاصل نماید "

ص ۲۵۱ بدایع الآثار جلد ۱

۵- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۰

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند:

احباً با مشارکت روزافزون در امور تبلیغی و اداری، مشارکتی که با حالت یادگیری خاضعانه صورت می گیرد، هر وظیفه و هر تعاملی را باید فرصتی برای همکاری در جهت پی گیری پیشرفت و موهبتی برای همراهی یکدیگر در میدان خدمت به امر الله بدانند. از این طریق گرایش به زیاده روی در تعلیم کاهش خواهد یافت و تمایل به تقلیل یک فرایند پیچیده تقلیب روحانی به چند گام ساده بر طبق مقررات یک دستورالعمل برطرف خواهد شد. اقدامات پراکنده در زمینه ای مشترک مرتبط می گردد و حتی کوچک ترین گامها پرمعنا می شود. عمل کرد قوای روحانی در میدان خدمت به طور روزافزون نمایان می شود و پیوندهای دوستی که برای یک الگوی صحیح رشد جنبه حیاتی دارد مستمراً تقویت می گردد.

نشانه این تکامل در آگاهی جمعی استفاده روزافزون از واژه "همراهی" در مکالمات بین احبّاً است، واژه‌ای که با وارد شدن در مجموعه لغات متداول در جامعه بهائی مفهوم جدیدی یافته است. این واژه نمایانگر تقویت چشم‌گیر فرهنگی است که در آن یادگیری شیوه عمل است، شیوه‌ای که باعث مشارکت آگاهانه تعداد فزاینده‌ای از مردم در کوششی متحد برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاءالله در بنای تمدن الهی می‌گردد، تمدنی که تأسیس آن به فرموده حضرت ولی‌امرالله غایت قصوی و مقصد اعلاّی این دور مقدّس است. چنین رویکردی با ورشکستگی روحانی و روش رو به زوال یک نظام اجتماعی کهنه شدیداً در تضاد است، نظامی که اغلب با سلطه‌جویی یا آز و طمع و یا ایجاد حس گناه‌کاری در افراد و یا دخل و تصرف ریاکارانه در امور خواهان تسلط بر قوای بشری می‌باشد.

تجلی این تحول فرهنگی در روابط بین احبّاً در کیفیت تعامل آنان مشاهده می‌شود. یادگیری به صورت یک شیوه عمل مستلزم آن است که همگی تواضع و فروتنی در پیش گیرند حالتی که در آن انسان نفس خویش را فراموش می‌کند، توکل تام بر حضرت پروردگار دارد، متکی به قدرت و حمایت اوست، به تأییدات لاریبیه‌اش مطمئن است و به یقین مبین می‌داند که تنها حی توانا است که قادر است پشه ضعیف را عقاب قوی و قطره را بحر عظیم نماید. در چنین حالتی نفوس پیوسته با هم فعالیت می‌کنند و شادی و سرور خود را نه چندان در دست‌آوردهای خویش بلکه در پیشرفت و خدمات دیگران می‌یابند.

۷- بخشی از سخنرانی دکتر فرزام ارباب

"قوة روحانی وقتی متمرکز باشد شما را به انجام دادن امور مختلفه قادر می‌سازد. باز هم این انسان اخلاقی هدفمند نیاز به پاکی و خلوص دارد؛ باید هر روز سعی کند به سطح بالاتری از پاکی برسد. بزرگترین امتحان و بزرگترین خطر این است که موقعی شخصی سخت کار می‌کند، تلاش می‌کند، کوشش می‌کند تا صفات مختلفه را پرورش دهد، سعی می‌کند سیمای نازیبای نفس اماره را از خود دور کند، بعد نهایتاً سعی می‌کند نازیباترین چهره اش را در قالب غرور و خودبینی نشان دهد. من خوب هستم و بعد این به همه چیز منتهی میشود. داستان پدر و پسر را به خاطر بیاورید آنها مشغول دعا بودند در حالیکه سائرین مشغول صحبت بودند و ادنی توجهی نمی‌کردند. پسر به پدر گفت: پدر آیا ما بهتر از آنها نیستیم؟ پدر گفت: تا وقتی که این حرف را نزده بودی، بهتر بودیم.

اگر تواضع و فروتنی نباشد، هر آنچه که گفته ایم هباء منثورا است. حال این تواضع و فروتنی در مقابل همه چیز باید خضوع و خشوع در مقابل خداوند باشد. این خضوع و خشوع باید ناشی از درک عظمت خداوند باشد. این نیز به سائر صفات مربوط می‌شود، آنها را تعدیل می‌کند، از آنها برای عشق ورزیدن به خدا کمک می‌گیرد، برای شناخت عظمت خدا، برای درک قدرت او و بنابراین برای درک ضعف خودمان از آنها کمک می‌گیرد... در این اجتماع ما و این عالم جمیع این نظریه‌های بزرگ

روانشناختی مرتبا به ما می گویند که به خود اعتماد داشته باشیم. همه چیز به ما می گوید که شما بزرگید. شما محشرید. شما اگر خودتان خدا نباشید مثل خدا هستید. بله شما می توانید هر کاری انجام دهید... اعتماد به نفس بزرگترین مسأله ای است که هر کس در جامعه نوین دارد خوب، من مایلم بدانم که، اگر ما ضعیفیم، احساس ضعف کردن چه عیبی دارد... چرا آنرا انکار کنیم؟ نکته اینجاست که این به خاطر خداوند است، اگر ما ضعف خود را بپذیریم و اینقدر به خود ناظر نباشیم و به قدرت خداوند ناظر باشیم و به قدرت تأییدات الهیه ناظر باشیم او از وجود ما استفاده خواهد کرد تا انواع کارهای شگفت انگیز را انجام دهد. واقعیت این است. پس این اعتماد و این اطمینان آنقدر به خود ما نیست بلکه به تأییدات الهیست. علم ما نسبت به ضعفمان خیلی خوب است با آن نوع تواضع و فروتنی باز هم واقعیت است، کذب نیست. اما از لحاظ واقعیت است که منبعث از وقوف ما بر ضعفمان است. بر اینکه هیچ نیستیم، اما حتی وقتی باد می وزد، گردوغبار برمی خیزد، خورشید بر غبار می تابد و آن ذرات ریز غبار شروع به رقصیدن می کنند و در این نور آفتاب است. که با اراده الهی و به ریح الهی ما می توانیم به رقص در آئیم.

تعلیم و تربیت اخلاقی ص ۴۳-۴۴

۸- تنها راه دخول در ملکوت الهی

باید قلوب خود را متوجه عهد و میثاق الهی نمائیم و با تمام وجود به خدمت امر اعظمش، به نحوی که ایشان مقرر می فرمودند عمل کرده بر اثر اقدام مبارک مشی نمائیم. وقتی از آن حضرت سؤال کردند که چرا کلیه رودخانه ها و نهرهای عالم به اقیانوسها می ریزند؟ در پاسخ فرمودند:

"برای آنست که سطح اقیانوسها پایین تر از سطح زمین است." این تنها راه دخول در ملکوت الهی است.

مبشرین میثاق در غرب ص ۸۹

۱۲- از حضرت عبدالبهاء بیاموزیم

هوالبهی

ای حبیب، طیب روحانی باش و آیت رحمت حضرت نامتناهی. هیکل خضوع شو و حقیقت خشوع. فقر محض باش و فنا
بخت. از وصف وجود به کلی عاری شو و در مغرب نیستی متواری گرد تا در افق هستی چون ستاره صبحگاهی بدرخشی و در
ظلّ وجه داخل گردی و علیک التحیه و الثناء

ع ع

بشاره النور ص ۴۱۴